



بیشتر از یک نفر...

یک لحظه فرض بفرمایید گوشی موبایلتون الان زنگ میخوره و یک عزیز باهاتون تماس میگیره؟

اسمشو نگاه می کنید و می بینید، چنین مخاطبی نداشتید!!! بعد برداشتن می فهمید که جناب عزرائیل هستند که تماس گرفتن.

میگه سلام. چطوری؟ خوبی؟ چکار می کنی؟ بچه ها خوب اند؟ خانواده خوب اند؟ بعد جواب های شما میگه خب خدا رو شکر، الحمدالله سلامت باشید.

میگه نیستی؟ کم پیدایی؟ یک گفت و گویی که میکنه و بعد شما می گید امرتون؟ خواهش می کنم، بفرمایید؟

میگه من سه تا براتون دارم؟

اولین خبر اینکه 100 میلیارد پول نقد بهت میدم مال خودت.

نه ازش مالیات کم میشه و نه خمس و زکات؛ یعنی همه اش مال خودته.

این خبر رو میگی؟ واقعاً دستتون درد نکنه. راضی به زحمتتون نبودیم. فکر کردم برای کار دیگه ای اومدید. دست شما درد نکنه.

خبر دوم میگه بخشید ولی 7 سال فقط زندگی می کنید، بدون مشکل!!!! یعنی مریض نمیشی!! هیچ اتفاق بدی هم واست نمی افته!! 7 سال وقت داری.

و خبر سوم میگه آقا شما تو این دنیا خیلی اذیت شدی؟ بهشت و جهنم هم اون طرف واست نمی زاریم و همه چیز تموم میشه یعنی میری به رحمت خدا، به عبارتی رفتی ب رحمت خدا و بهشت و جهنمی برای شما نداریم.

درست شد؟ حالا چطور زندگی می کنید؟

100 میلیارد پول!! 100 میلیارد! الان اصلاً دلاری شده و نگران این چیزاش نباشید.

همین الان خیلی ها میگن تورم میاد اذیت می کنه؟ هرچقدر میخواین اصلاً بگین؟ حالا اگر به شما زنگ زد بگین به شما 100 میلیارد دلار بده، باشه؟

و خب اره احتمالاً سال اولش چکار می کنید؟



بیشتر از یک نفر...

خوش می گذرونید، بریزوپاش، کل دنیا را می بینید، یک ویلا خوشمون میاد می خریم، اون ماشین و این

ماشین را می خریم، خب بعدش؟ سال بعد؟

همین برنامه برای 7 سال تکرار میشه؟

عمرأ نمی توانید با صرف تکرار این برنامه رضایت داشته باشید.

خب اوکی حالا چکار می کنید؟

خب چکار می کنید؟

برخی از حضار پاسخهایی می دهند که استاد در ادامه میگه:

آهان شاید معنی کار شما این باشه. هرکسی شاید بگه یعنی چی؟

می دونید یعنی هرکسی مهنی خودشو برای زندگی داره و راجع به این فکر کنید که چطور زندگی می کنید؟

مثلاً با یک عزیزی صحبت می کردم.

می گفت که من میخوام این کار را انجام بدم، اون کار را انجام بدم تا بتونم گردشگری را در شهر خودم راه بندازم.

بهش گفتم ببخشید چرا همین الان راه نمی اندازید؟

گفت خب پول می خواد.

گفتم: نه به عنوان کسی که 4 و 5 سال تورلیدر بودم، پول نمیخواد.

اگر بخوایم میشه!!!!

پس خیلی وقتها چون ما معنی زندگی خودمون را نمی دونیم، خیلی اقدامات اشتباه می کنیم.

راجع به این هم دوباره فکر کنید.

اما چند علامت بگم، البته علائم احتمالی! دوستان نگاه کنید چی نوشتم؟

علائم احتمالی نداشتن معنی در زندگی.

اولیش غرغر کردن بیش از اندازه:



بیشتر از یک نفر...

اگر همه‌اش در حال غر زدن هستیم به احتمال زیاد زندگی‌مون معنی نداره. همه‌اش می‌گیم اه! این چه وضعیه! آی فلان!

چون آدم که زندگیش معنی داشته باشد خیلی چیزها را نمی‌بینه و توجه نمی‌کند. خیلی چیزها براش اصلاً مهم نیست و آن‌ها را برای خودش حل می‌کنه.

پس یکی از علائم نداشتن معنی غر زدن نسبت به خیلی چیزهاست. چه چیزهایی که در اختیارمون هست و چه چیزهایی که در اختیارمون نیست.

اوضاع مملکت، نمیدونم شرایط کار، اطرافیان، همکارها، محیط کار و خیلی چیزهای دیگه...

البته بدین معنی نیست ه آدمی که زندگیش معنی داره، احمق هست و این‌ها را نمی‌بینه، می‌بینه اما وقت غر زدن نداره.

مورد بعدی این هست که تأثیرپذیری زیاد از دیگران:

آدم‌هایی که زندگیشون معنی نداشته باشد، هر حرفی از دیگران میتونه آن‌ها را منصرف کنه.

مثلاً من میگم میخوام برم فلان شرکت راه بندازم.

شما میگي: تو! تو میخوای راه بندازی؟! آقای مهندس مخلصیم.

ناامید میشیم. خیلی راحت تأثیر می‌پذیریم.

این هم یکی از علائم احتمالی نداشتن معنی هست، انسانی معنی داشته باد حتی وقتی میزننش، وقتی دارن

شکنجه‌اش میدن، بازم در راستای هدفش داره حرکت می‌کنه! حرف که هیچی!

مورد بعدی دوری بیش از چالش:

اگر از چالش، خیلی فرار می‌کنیم، البته نه کم، یک کم را هممون داریم. خیلی از چالش، تغییر و به چالش

کشیدن خودتون فرار می‌کنید یک علامت دیگه است از این که زندگی شما معنی ندارد.

بینید، میتونه یکی از علائم باشه! دقت کنید مثلاً میگن که کسی که فلان بیماری را دارد.

یک بیماری را خانم دکتر نام ببرید؟

خانم دکتر گفت: ام اس.



بیشتر از یک نفر...

چند تا از علائم را هم بگید؟ علائم ساده اولیه؟ مثل تاری دید. خب الان همه ...!

چرا این اتفاق می افتد؟ این یکی از علائمش هست. آیا هرکسی تاری دید داشت، ام اس داره؟

به هیچ عنوان. ممکن است به خار روزه گشنه اش باشد، ممکنه...

چه میدونم! هزار دلیل دیگه ممکن است داشته باشد.

از محیط پر نور به محیط کم نور آمده باشد و این اتفاق بیفتد.

پس به این معنی نیست که کسی که یکی از علائم را داشت زندگی بی معنی دارد و بدبخت است.

این طوری نباید باشیم. اولاً این موارد برای خودمونه. نه برای آنالیز دیگران.

ثانیاً این که این علائم احتمالی نه قطعی.

اگر این علائم را داشته باشیم باید بررسی کنیم.

و اهمال کاری جدی:

باز اگر خیلی اهمال کاری داشته باشیم، یکم اهمال کاری طبیعیه! هر آدمی یکم اهمال کاری داره و امکان

نداره انسان اهمال کاری نکنه. یکم اهمال کاری داشتیم باز ...

اگر اهمال کاری خیلی زیاد بود یعنی احتمالاً زندگیمون برای خودمون معنی ندارد.

و عدم تلاش برای بهترین خود بودن:

یعنی به کم راضی میشیم. تو هر چیز چقدر تلاش می کنیم؟ در پدر و مادر بودن چقدر تلاش می کنیم؟

به اندازه حداقل! در شغلمون چقدر تلاش می کنیم، به اندازه ای که بگذره و بهمون گیر ندن! حداقل ها رفع

بشه!

و زمانی که معنی پیدا می کنیم سعی می کنید بهترین خودتون باشید و به کوچک ترین چیزها توجه

می کنید.

و این آخری خیلی جالبه!

بیش از حد به خودتون مطمئنید:

بنابراین هم احتمالاً معنی ندارید یا معنی تون اشتباهه! این خیلی عجیبه!



بیشتر از یک نفر...

خیلی‌ها فکر می‌کنند که باید مطمئن باشند؟ اتفاق خیلی‌ها مطمئن نباید باشند.

اگر خیلی مطمئنید و یعنی مطمئنید که هیچ شکی ندارید یا احتمالاً معنی درست را متوجه نشدید یا معنی اشتباهی را انتخاب کردید.

اطمینان بیش‌ازحد هم خیر بدی هست. چون نشون میده حرفه‌ای نیستیم. چون خیلی عوامل وجود دارد؟ آیا خودمون را کامل می‌شناسیم؟ شرایطمون را می‌دانیم؟

پس یک تعداد علائم احتمالی بهمون کمک می‌کند تا ببینیم زندگی‌مون معنی دارد؟ حالا به نظر شما چه چیزهای دیگری وجود دارد؟ خودتون برای خودتون یک کوچولو به مدت 30 ثانیه فکر کنید و بنید به نظرتون چه علائمی وجود دارد که اینجا نیاوردیم و نشان‌دهنده نداشتن معنی در زندگی است؟